



بیشتر از یک نفر...

عرض سلام دارم خدمت شما عزیزان مجموعه‌ی بیشتر از یک نفر.

من محمد پیام بهرام پور هستم، از مجموعه‌ی بیشتر از یک نفر؛ و در این فایل صوتی قصد دارم یک روایت مختصری از حضرت رسول را به مناسبت میلاد ایشان خدمت شما عرض بکنم.

در یک روایتی خواندم حالا سندش رو این‌ها خاطر من نیست، اما روایت رو نقل به مضمون می‌کنم که:

پیامبر روزی داشتند برای نماز عصر به سمت مسجد می‌رفتند که بین راه یک تعداد بچه، دور ایشان حلقه می‌زنند و می‌گویند که بیا با ما بازی کن و پیامبر وقتی می‌گویند چه بازی‌ای، می‌گویند بیا شتر ما بشو.

خب بچه‌ها نمی‌دانستند دارند با چه کسی صحبت می‌کنند و جایگاه ایشان را نمی‌دانستند. بچه بودند دیگه.

جالبه بدانید پیامبر این کار را انجام می‌دهند، یعنی خم می‌شوند، بچه‌ها را یکی‌یکی می‌گذارند روی شانه‌شان و با آن‌ها بازی می‌کنند.

گفته می‌شود کسانی که در مسجد منتظر نماز بودند، می‌بینند پیامبر که همیشه اول وقت حضور داشتند دیر کردند، می‌روند بررسی بکنند ببینند چی شده که وقتی این صحنه را می‌بینند و واقعاً شگفت‌زده می‌شوند.

می‌خواهند بیایند سریع بچه‌ها رو دور بکنند، بچه‌ها رو دعوا بکنند که آخه این چه کاریه که پیامبر اجازه نمی‌دهند و می‌گویند که بروید تو خانه من ببینید چی هستش که بتوانیم با این بچه‌ها رو مشغول بکنیم که بدون این که دعوایشان بکنیم، بتوانیم به نماز برسیم.

که می‌توانند هشت تا گردو از خانه پیامبر پیدا بکنند و پیامبر ببینند چه جمله‌ای به بچه‌ها می‌گوید، می‌خواهد بچه‌ها بدون این که اذیت بشوند، بدون این که ناراحت بشوند، این بازی را تمام بکنند.

می‌گویند: شترتان را به چند گردو می‌فروشید؟ به هشت گردو می‌فروشید؟

و بچه‌ها قبول می‌کنند این معامله را و پیامبر آزاد می‌شه توی اون بازی و بچه‌ها به هشت تا گردو می‌رسند.

و ببینید چقدر این پیامبر عزیز ما، روی عزت‌نفس بچه‌ها حساسیت داشتند، چقدر دقت نظر داشتند و ما چقدر کم‌دقت نظر داشتیم.

ما هر کاری دوست داریم با بچه‌ها می‌کنیم، خیلی راحت به خاطر این که یک بچه، بهمون مثلاً می‌رویم در یک مهمانی، یا مثلاً بچه خودمان، مثلاً شب می‌آییم از سرکار می‌گوییم: یک بوس بده به بابا، بعد بچه که

بوس نمی‌ده می‌گوییم خوب، من پس دوست ندارم!



بیشتر از یک نفر...

ببینید چقدر تفاوت وجود دارد بین سنت حضرت رسول (ص) و رفتارهای ما؛ و ما باید این‌ها رو الگو بگیریم که چقدر می‌شود کارهای مختلف انجام داد.

این که از بچه‌ها نظر بخواهیم. این که به بچه‌ها حق انتخاب بدهیم. این که واقعاً به نظر بچه‌ها احترام بگذاریم. وقتی می‌خواهیم یک کاری انجام بدهیم، حتماً نظر آن‌ها رو هم جویا بشویم و حتماً یک حقی برایشان قائل بشویم.

زمانی که ما این کار را برای بچه‌ها می‌کنیم، اتفاقی که می‌افتد اینه که در بزرگسالی آن‌ها عزت‌نفس را کاملاً در خودشان حس می‌کنند.

بنابراین خیلی راحت می‌توانند «نه» بگویند، به یکسری پیشنهادهای، به یکسری درخواست‌هایی که با چهارچوب‌های اخلاقی آن‌ها هم‌خوانی ندارد.

بنابراین خودشان را ارزشمند می‌دانند، تلاش می‌کنند برای رسیدن به خواسته‌هایشان.

و خیلی اتفاق‌های دیگر که به واسطه وجود داشتن عزت‌نفس رخ می‌دهد.

خیلی خیلی اهمیت دارد که ما این را درست بدانیم که چطور باید رفتار بکنیم با بچه‌ها و آن قدر روایت و داستان و حدیث و این‌ها در رابطه با رفتار حضرت پیامبر با بچه‌ها هست که حد ندارد.

می‌توانیم این روز عزیز که میلاد حضرت پیامبر هست را بهانه‌ای قرار بدهیم که یک مقدار دقیق‌تر بشویم روی رفتار با بچه‌های خودمان و بچه‌های دیگران.

ممنونم که بی این فایل گوش دادید. من محمد پیام بهرام پور هستم، از مجموعه‌ی بیشتر از یک نفر.

جایی که تلاش می‌کنیم بیشتر و مؤثرتر از یک نفر باشیم تا دنیای ما جای زیباتری برای زندگی بشود.

پیروز و موفق باشید، خدا نگهدار.